

# قرآن مجید

## تہذیبِ حسینیا (ع)



# تجلی بیان قرآن در خطبه های امام حسین (ع)

(قسمت اول)

اعظم اسدی\*

## چکیده

یکی از زمینه های بسیار بایسته تحقیق، سیره و زندگی امامان معصوم (ع) و تطبیق آن با مبانی قرآنی و حدیثی است که از آن بین تحقیق درباره هماهنگی دقیق اقوال و افعال و تقریرات امام حسین (ع) به ویژه در نهضت کربلا، با مبانی کتاب خدا است. که تاکنون انجام نشده و این تحقیق به یاری خداوند در صدد انجام این مهم است. قرآن کریم و عترت طاهره دو گوهر گرانبه‌ای رسول الله (ص) است، که انفکاک ناپذیری این دو گوهر کرارا در بیانات آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته است چنانکه قرآن برای اقرار مختلف جامعه برنامه دارد، روایات و سنت عترت طاهره نیز این گونه است. هر کسی توان فهمیدن و درک آن معارف عمیق را ندارد، در عین حال "مطلب غیر قابل فهم" در آنها وجود ندارد و مطالب و معارف هدایتی آن اختصاص به قشر خاصی ندارد. خداوند به حضرت یحیی (ع) فرمود: «یا یحیی خذ الکتاب بَقُوَّةٍ» [مریم/۱۱۲]. و به حضرت موسی (ع) نیز فرمود: «قَالَ يَمُوسَىٰ اِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَي النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ [اعراف/۱۴۳]. مساله اخذ کتاب به قوه، و امر به آن، در قرآن کریم مکرر آمده، مانند آیه: «فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ اْمُرْ قَوْمَكَ يَا اٰخِذُوْا بِاَحْسَنِهَا» آیه «خُذُوْا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوْا مَا فِيْهِ» [بقره/۶۳]. و آیه «خُذُوْا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوْا» [بقره/۹۳]. و همچنین آیاتی دیگر. و آنچه از سیاق آیات به ذهن تبادر دارد این است که مراد از اخذ کتاب به قوه تحقق دادن

\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث



معارف آن و عمل به دستورات و احکام آن است با عنایت و اهتمام امام حسین (ع) نیز، در نهضت جهانی خود با اقتدا به سیره پیامبر (ص) فرمود: "وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ" قصد من احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب (ع) است.

پیام نهضت حسینی که مخاطب اصیل آن، انسان است و مؤید آن سخن وجود مبارک رسول اعظم (ص) است که "حسین مَنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ" که با این معناست که کیان نبوت و رسالت من با قیام حسین زنده است از این رو پیام امام حسین در خطبه های آن حضرت تا شعاع رسالت و نبوت رسول اعظم (ص) نفوذ دارد. با مطالعه سیره امام حسین (ع) بخصوص در خطبه های آن حضرت به این واقعیت می توان پی برد که آنچه در کتاب خداوند آمده معصوم به آن عمل نموده و آنچه معصوم به آن عمل کرده است در قرآن کریم آمده است در این پژوهش سعی شده است که گزیده ای از سخنان امام حسین (ع) انتخاب، و با مطابقت با قرآن هماهنگی آن دو گوهر گرانبها، و اثبات حقانیت شیعه ثابت شود.

### • کلید واژه ها: قرآن، امام حسین (ع)، خطبه

#### ■ مقدمه

قرآن که خود را "هُدًى لِلنَّاسِ" می داند، شکر ساده و با زبان مثل تبیین شده تا محرومان از دانش و بینش گسترده را منفعت بخشد. امام حسین (ع) همانند قرآن در چهره های گوناگون برای مردم جهان درخشیده است، برای عارفان در چهره ی دعای عرفه، برای زمامداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان در چهره ی نهضت و قیام علیه طغیانگری امویان، برای پرهیزکاران و زاهدان در چهره تارک دنیا و برای دیگران در چهره های دیگر. امام حسین (ع) توانسته است مضمون دعای

طوری تنظیم شده است، که هر کس می تواند به مقدار سطح فکر خود از خرمین معارف آن خوشه برگیرد، هم برای عارفان، حکیمان، متکلمین و سایر اندیشوران برنامه هدایتی دارد، هم برای توده مردم و اعراب بیابانگرد چادر نشینی که جز چند رأس گوسفند و شتر و اشیای ساده دیگر چیزی نمی شناسد. عمیق ترین مسائل اعتقادی از قرآن هم به زبان علمی ارائه شده تا عقده فکری دانش پیشگان را بگشاید و هم به

عرفه را که اوج عرفان در آن موج می زند، در کنار حماسه ی خونبار کربلا جمع کند، حماسه ای که سرشار از پایداری، ایثار، رهبری، سیاست، مردانگی، جوانمردی، مملوّ از ایستادگی، مقاومت، مبارزه، استقامت در راه پیمان، وفاداری و مشحون از اخلاق انسانی، آداب و معاشرت و امور اجتماعی، تربیت اسلامی سازندگی معنوی و عرفان است و تمامی این مضامین تجلی آیات قرآن کریم است.

تولی ائمه طاهری (ع) و امید واری به شفاعت آنان بدون تمسک به قرآن راهگشا ست. امام قرآن ناطق است و قرآن، امام صامت، در خصوصیات و ویژگی ها مکمل یکدیگرند. خداوند در وصف کتاب خویش میفرماید: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» [احشر/۲۱]. اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم می دیدی در برابر آن خاشع می شود، و از خوف خدا می شکافت.

در حدیث ثقلین حضرت رسول الله (ص) فرمود: «ای مردم! من دو چیز گرانبهادر میان شما می گذارم که اگر بعد از من به آنها متمسک شوید هر گز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و عترت من آگاه باشید آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در نزد حوض (کـوثر) بـر مـن وارد شوند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۳۳) این دو گوهر گرانبهادر معادل و مساوی یکدیگرند و در هیچ مرحله ای از یکدیگر جدا نمی شوند، نه تمسک به قرآن تنها دل خوش داشتن به شعار «حسبنا کتاب الله» (جمله ای که خلیفه دوم هنگام رحلت رسول خدا (ص) گفته بود) همان، ج ۲۲، ص ۴۷۳) مایه نجات است نه

امیر المؤمنین (ع) در وصف خود می فرماید: «لو احببني جبل لثهافت» اگر کوهی متحمل دوستی من می شد در هم می شکست. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱) هر یک از این دو ریسمان آویخته الهی است که از یک طرف به دست خداست و طرف دیگر آن به دست مردم، برای اثبات این مطلب که عترت عدل قرآن است می دانیم که انسان کامل همسان، همسو و همسنگ قرآن کریم است و گاهی انسان کامل به صورت رسول اعظم (ص) و گاهی به صورت عترت طاهره (ص) ظهور می کند، که اگر شخص ایشان هم رحلت کند ولایت آنان باقی است و یکی پس از دیگری وارث شخصیت حقوقی ولایت و عدل قرآن کریم



خواهند بود. تا همه تشنگان بشری را به حوض کوثر برسانند. افزون بر این قرآن معصوم است، و غیر معصوم نمی تواند عدل معصوم باشد اما رسول اعظم (ص) و عترت طاهره (ع) می تواند عدل معصوم باشد زیرا بر اساس آیه شریفه: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» [احزاب/۳۳]، عترت نیز معصوم است، هر چند ممکن است یکی اکبر و دیگری اصغر باشد و چون هر کدام عدل دیگری است ترک یکی مستلزم هجر دیگری خواهد بود. خاصیت تلازم دو معصوم همان حفظ نسبت در وجود و عدم است، یعنی اگر یکی موجود شد باید در دیگری

یافت شود، و اگر دیگری یافت نشد، اولی هم مرتفع خواهد شد. به هر حال قرآن و انسان کامل هر دو در ساحت قدس الهی بوده اند و بر همه واجب است که به هماهنگی و تلازم این دو اصل اصیل و وزنه وزین معتقد باشند.

### ۱۰. اقتباس های صریح از عبارات و مضامین قرآنی

#### ۱-۱. راه صحیح خدا شناسی

یکی از سخنرانی های امام حسین (ع) پیرامون خداشناسی و عقائد است، که مردم را از اطاعت طاغوتیان زمین پرهیز می دهد

ومی فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا هَؤُلَاءِ الْمَارِقَةَ يُشَبِّهُونَ اللَّهَ بِأَنْفُسِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ بَلِ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» ای مردم از پروردگارتان پرهیزید از دین مردمی که از دین خارج شده اند که خداوند را به خود تشبیه می کنند گفتارشان شبیه کسانی که از اهل کتاب پیش از این [به حقایق] کفر ورزیدند، شباهت دارد، بلکه او خداوندی است که هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوا و بیناست، چشم ها او را در نمی یابند، ولی او چشم ها را در می یابد، و او لطیف و آگاه است.

(تحف العقول، حرانی، ص ۲۴۴)

#### • عقاید شرک آلود اهل کتاب :

امام حسین (ع) به آیه ای اشاره دارند که در آن وجه شباهت اهل کتاب مخصوصا یهود و نصاری را با مشرکان و بت پرستان بیان می کند، به خاطر انحرافشان از توحید و گرایش آنها به نوعی از "شرک در عقیده" و نوعی از "شرک در عبادت" می فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمْ

و پرهیزکاری و ترس از خدا سفارش میکنم زیرا خدا هر کس را که تقوا داشته باشد ضامن است که او را از هر چه ناخوش دارد به آنچه او را خوش آید باز گرداند از جایی که گمان ندارد روزی می دهد. (حرانی، تحف العقول، ۲۳۹)

**• ایمان و روشن بینی:** در اینجا بیان امام حسین (ع)، کلام خداست که به نتیجه و ثمره تقوا و پرهیزکاری اشاره نموده و می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» [انفال/۲۹]. "فرقان در آیه مورد بحث شامل همه انحاء خیر و شر می شود، چون همه احتیاج به فرقان دارند." یعنی لعلم الذی تفرقون به بین الحق و الباطل». (القمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۷۲) نظیر آیه مورد بحث از جهت معنا آیه شریفه: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» [طلاق/۳:۲]. زیرا بهترین زاد و توشه تقواست: «وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» [بقره/۱۹۷].

اللَّهُ أَنَّى يُؤَفِّكُونَ» [توبه/۳۰]. امام (ع) در بخش بعدی این خطبه به آیه ای در سوره شوری اشاره فرمودند: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» [شوری/۱۱]. و آیه ای دیگر: «وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» [اسرا/۱].

**• اثبات حاکمیت خداوند:**

قسمت دیگر کلام امام (ع) گویای آیه ای است که برای اثبات حاکمیت و نگاهبانی او نسبت به همه چیز و همچنین برای اثبات تفاوت او با همه موجودات می گوید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» [انعام/۱۰۳]. از امام صادق (ع) پرسیدند آیا خدا در قیامت دیده می شود؟ فرمود: منزه است خداوند از چنین چیزی و بسیار منزه است... ان الأبصار لا تدرك الا ما له لون و الكيفية و الله خالق الالوان و الكيفيات. "چشمها نمی بیند جز چیزهایی را که رنگ و کیفیتی دارند در حالی که خداوند آفریننده رنگها و کیفیتها است". (حویزی نور الثقلین ج، ۱، ص، ۷۵۳)

**۱-۲. توحید:**

در خطبه ای امام (ع) فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَا اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يَحْوِلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يَجِبُ وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». شما را بتقوی الهی



### ۳-۱. تکیه بر قدرت و عدالت خداوند:

جنبنده ای در ید قدرت اوست و خدای من بر صراط مستقیم است.

امام حسین (ع) در دومین سخنرانی در روز عاشورا فرمود: «أما والله لا تلبسون بعدها الأكريت ما يركب الفرس حتى تدور بكم دوز الرحى وتفلق بكم قلق المحور عهد عهد إلى أبي عن جدتي رسول الله فأجمعوا أمركم وشركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمّة ثم أفضوا إلى ولا تنظرون إلى توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة إلا هو أخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم»

آگاه باشید! به خدا سوگند. پس از این جنگ به شما مهلت داده نمی شود که سوار بر مرکب مراد خویش گردید مگر همان اندازه که سوارکار بر استی خویش سوار است تا اینکه آسیاب حوادث شما را بچرخاند و مانند محور و مدار سنگ آسیاب مضطربتان گرداند و این ، عهد و پیمانی است که پسدم علی (ع) از جدم رسول خدا (ص) بازگو نموده است پس با همفکران خود دست به هم بدهید و تصمیم باطل خود را پس از آنکه امر بر شما روشن گردید، درباره من اجرا کنید و مهلتم ندهید، من بر خدا که پروردگار من و شما است توکل می کنم که اختیار هر

#### • مبارز طلبی انبیاء الهی :

قسمتی از کلام امام(ع) مرتبط است با آیه ای که خداوند خطاب به پیامبر(ع) در برابر مشرکان میفرماید: «و یا قوم اعملوا علی مکانیکم اینی عامل سوف تعلمون من انبأ عذاب یحریه و من هو کاذب و ارتقبوا اینی معکم رقیب» [هود/۹۳]. و مشابه این جریان، ماجرای حضرت نوح(ع) در مواجهه با قومش را بیان نموده هنگامی که به قومش گفت: «إذ قال لقومه یا قوم إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بآیات الله فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شركاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمّة ثم أفضوا إلی و لا تنظرون» [یونس/۷۱]. حضرت هود(ع) برای اثبات پوچی قدرتهای خیالی بت پرستان، آنان را به مبارزه طلبید : « فکیذونی جمیعاً ثم لا تنظرون» [هود/۵۵]. پیام این دو آیه اینست که ایمان به هدف، بزرگترین اهرم مقاومت انبیا و مبارزه طلبی آنان است. امام حسین (ع) با توکل به خدا، قدرتهای مخالف را تحقیر کرده و به

حوادث تلخ و شیرینی رخ می‌دهد که هیچکدام پایدار نیست، «و تَلِكِ الْآيَاتُمْ نِدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ» آل عمران/۱۴۰.

#### ۴-۱. بیان ارکان دین حق، هدایت و رشد

در صبح عاشورا پس از آنکه هر دو سپاه کاملاً آماده گردید. امام حسین (ع) در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و از آنان خواست تا سکوت کنند تا با آنان اتمام جحتی دیگر کند ولی آنها همچنان سرو صدا و هلهله می نمودند که آن حضرت با این جملات به آرامش و سکوتشان دعوت نمود:

"وَيَلَكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ وَكَلَّمْتُ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي قَدْ أَنْخَزْتُ عَطِيَّاتِكُمْ مِنَ الْخَرَامِ وَمَلَيْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْخَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلَكُمْ أَلَا تَنْصِتُونَ أَلَا تَسْمَعُونَ؟" وای بر شما! چرا گوش فرا نمی دهید تا گفتارم را، که شما را به رشد و سعادت فرا می خوانم، بشنوید هر کس از من پیروی کند خوشبخت و سعادتمند است و هر کس عصیان و مخالفت ورزد از هلاک شدگان است و همه شما عصیان و سرکشی

مؤمنان شجاعت داد و همه‌ی قدرت‌ها را پوچ دانست. زیرا بدنبال این مطلب آیاتی را تلاوت میفرمایند که بیانگر توکل آن حضرت است. «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» اهود/۵۶. در قسمت آخر خطبه امام حسین (ع) به آیاتی اشاره می کند که در مورد حضرت ابراهیم (ع) و مخالفان آن حضرت است. می فرماید: «رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ إِنَّا وَ الْإِنك الْمَصِيرُ» [ممتحنه/۴]. امام حسین با تلاوت این آیه، در حقیقت سه مطلب را در این عبارت به پیشگاه الهی عرضه داشت: نخست توکل بر ذات او، و دیگر توبه و بازگشت به سوی او، و سپس توجه به این حقیقت که رجوع نهایی همه چیز به سوی او است که علت و معلول یکدیگرند، ایمان به معاد و بازگشت نهایی سبب توبه می گردد و توبه روح توکل را در انسان زنده می کند. در واقع امام (ع) مصداق واقعی این آیه است: «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا ءَادَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» [ابراهیم/۱۲]. همچنین امام (ع) اشاره به یکی از سنن الهی دارد که در زندگی بشر





نموده و با دستور من مخالفت می کنید که به گفتارم گوش فرامی دهید. آری، در اثر هدایای حرامی که به دست شما رسیده و در اثر غذاهای حرام و لقمه های غیر مشروعی که شکمهای شما از آن انباشته شده، خدا این چنین بر دلهای شما مهر زده است، وای بر شما! آیا ساکت نمی شوید؟"

.(حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱، خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۷)

قسمت اول این خطبه شبیه جریانی است که در باره مؤمن آل فرعون در قرآن وجود دارد که به قومش گفت: «اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ!» از من پیروی کنید تا من شما را به راه حق ارشاد کنم. و "سبیل رشاد" عبارت است از راهی که سلوک آن آدمی را به حق می رساند، و به سعادت دست می یابد. امام حسین (ع) در شرایطی قیام کردند که در اثر طغیان حاکمان ستم و جهل علمی و عملی توده مردم به انحراف عقیده و سوء خلق و رفتار تبهکارانه بود و محرومیت از تبلیغ صالحان و نفوذ طالحان دد منش، منشاء این تباهی ها شد، که امام سیر عصیان آنان را به خاطر لقمه حرام می داند، که اثر روی اعتقادات آنان گذاشته

و نتیجه این شده که به جنگ امام بیایند در میان همه گناهان تغذیه از حرام بیش از هر گناه دیگر در اعوجاج فکری و انحراف از حق، نقش مؤثر و اثر عمیق دارد. (جوادی آملی، شکوفایی عقل در نهضت حسینی، ص ۷۱) از این رو خداوند به انسانها دستور داده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» [بقره/۱۶۷]. زیرا که: «وَالَّذِي خَبْتُ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» [اعراف/۵۸]. و در جای دیگر فرود: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» [مومنون/۵۱]. در قسمت دیگر خطبه امام از آنان خواست تا سکوت کنند و به سخنان وی گوش فرا دهند ولی آنها همچنان سروصدا و هلهله می نمودند. در بعضی از روایات آمده است که هر گاه پیامبر (ص) در مکه صدای خود را به تلاوت قرآن مجید و کلمات شیرین و جذاب و پر محتوای خداوند بلند می کرد مشرکان مردم را از او دور می کردند، و می گفتند: سوت و صفیر بکشید، و صدا را به شعر بلند کنید تا سخنان او را نشنوند!

قرآن مجید در آیات فوق به این معنی اشاره کرده، می گوید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمِعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ



تَغْلِبُونَ» [فصلت/۲۶]. این یک روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده‌تر و خطرناک‌تری ادامه دارد که برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت، محیط را آن چنان پر از جنجال می‌کنند، که هیچکس صدای آنها را نشنود، و با توجه به اینکه "و الغوا" از ماده "لغی" معنی گسترده‌ای دارد و هر گونه کلام بیپنده‌ای را شامل می‌شود، وسعت این برنامه روشن خواهد شد.

#### ۱-۵. دفاع از ولایت:

از جمله سخنرانی‌های اعجاز گونه امام حسین (ع)، خطبه ای است که در سفر به شام، در مجلس معاویه ایراد نمودند، پس از حمد و ثنای الهی فرمود: نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَعِترَةُ رَسُولِهِ، الْأَقْرَبُونَ وَأَهْلَبِيَّتِهِ الطَّيِّبُونَ، وَأَخْدَالُ الْيَقْلِينَ الَّذِينَ جَعَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى « ما حزب خدا پیروزم، ما عترت پیامبر که مقربان در گاه الهی اند می باشیم، ما اهل بیت آن حضرت که پاکیزه اند می باشیم، و ما یکی از آن دو چیز گرانبها که رسول خدا به عنوان دومی کتاب قرار داد می باشیم، آن کتابی که در تفصیل و بیان هر چیز در

اوست و باطل کننده‌های از جلو و عقب اونیايد و تفسیر قرآن بماواگذار شده و تأویل آن بر ما دشوار نمیشد بلکه ما از حقایق آن پیروی می کنیم، و آنچه حقیقت قرآن باشد را می دانیم. پس از ما پیروی کنید که اطاعت ما واجب و لازم است زیرا که اطاعت ما در شمار اطاعت خدا و پیامبرش قرار دارد و خداوند فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، آن

را به کتاب خدا و سنت پیامبر [او] عرضه بدارید... در آیه دیگر فرمود: و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که امی توانند درست و نادرست آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می کردید. (طبرسی، احتجاج، ص ۲۹۹؛ و مسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۴، حدیث ۴۵)

در گفتار امام حسین (ع) اشاره به آیاتی شده است از جمله: آیه ولایت «وَمَنْ يَسْأَلِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَيَأْتِ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ



«العالمون» [مائه/۵۶]. و آیه ای دیگر «رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون» [مجادله/۲۲]. آیه تطهیر: «إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا» [احزاب/۳۳]. درباره حدیث ثقلین می توان به آیه شریفه استناد نمود: «و اعصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» [آل عمران/۱۰۳].

ابان بن تغلب از حضرت صادق «ع» نقل میکند که امام فرموده: که ما آن جبل الله هستیم. (حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۵) آیه ای که امام (ع) در وصف قرآن به آن اشاره دارند: «و تفصیل کل شیء» [یوسف/۱۱۱]. و آیه ای که به توصیف مهم و گویایی در باره عظمت کتاب آسمانی پرداخته، می گوید: «لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» [فصلت/۴۲]. یعنی نه تناقضی در مفاهیم آن است. نه چیزی از کتب و علوم پیشین بر ضد آن می باشد، و نه اکتشافات علمی آینده با آن مخالفت خواهد داشت. نه کسی می تواند حقایق آن را ابطال کند، و نه در آینده منسوخ می گردد. نه در معارف و قوانین و اندرزها و خبرهایش خلاقی وجود

دارد و نه خلاقی بعداً کشف می شود. نه آیه و حتی کلمه ای از آن کم شده، و نه چیزی بر آن افزون می شود. امام حسین (ع) در مورد تأویل قرآن به این آیه شریفه نظر دارند: «و ما یعلم تأویله إلا الله و الراسخون فی العلم» [آل عمران/۷]. راسخان در علم آنها هستند که بر اثر درک صحیح معنی محکمات و متشابهات می گویند ما به همه آنها ایمان آورده ایم (چرا که) همه از سوی پروردگار ما است.

«یقولون آمنا به کل من عند ربنا». چنانکه در حدیث هم میخوانیم که امام صادق (ع) فرمودند: «نحن الراسخون فی العلم، و نحن نعلم تأویله». (بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۵۹۷) و در قسمتی امام حسین (ع) لزوم اطاعت از رسول (ص) و امامان جانشین ایشان را متذکر می شوند، که خداوند نیز فرمودند: «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان من یعص الله و اولی الامر منکم لعلمه» [نساء/۵۹]. در آیه بعد به یکی دیگر از اعمال نادرست منافقان و یا افراد ضعیف الایمان اشاره کرده می فرماید: «و لو ردوه إلی الرسول و إلی اولی الامر منکم لعلمه الذین یشیطونہ منکم و لو لا فضل الله



عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَبِعْتُمُ الشَّيْطَانَ اِلَّا قَلِيلاً» [نساء/۸۳].

براساس این آیه مسلمانان باید دارای حکومت و تشکیلات و رهبری باشند و اولی الامر صاحب دولت و حکومت و قدرت است و نیز مسائل نظامی، سیاسی و امنیتی باید تحت یک مدیریت دارای اجتهاد و استنباط باشد. در نتیجه بین ولایت و فقاہت رابطه‌ی تنگاتنگ است. و اولو الامر باید اهل استنباط باشند، زیرا استنباط، تنها مخصوص احکام فقهی نیست و تعیین رسول اللہ و اولو الامر بعنوان مرجع مردم، و رهانیدن مردم از پیروی شیطان بزرگ‌ترین فضل و رحمت خدا است. از امام باقر (ع) نقل شده که درباره «اولی الامر» فرمود: منظور امامان معصومند. (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۶۰/۲۰۵؛ بحرانی البرهانی، ج ۲، ص ۱۳۵؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۷۴)

### ۱-۶. نکوهش علما

امام حسین (ع) در سخنرانی خود در مکه فرمودند: " اِعْتَبِرُوا اَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللّٰهُ بِهِ اَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوِّ ثَنَائِهِ عَلٰى الْاَخْبَارِ ."

ای مردم! از پسندی که خدا به اولیا و دوستانش به صورت نکوهش از علمای یهود داده عبرت بگیرید آن جا که می فرماید:

چرا علمای دینی و احبار، یهودیها را از سخنان گناه آمیز و خوردن حرام نهی و جلوگیری نمی کنند؟ و باز می فرماید: آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند مورد لعن و نفرین قرار گرفتند تا آنجا که می فرماید: آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند یکدیگر را نهی نمی کردند و چه کار بدی را مرتکب می شدند. در حقیقت خدا آن را از این جهت عیب می شمرد که آنان با چشم خود می دیدند که ستمکاران به زشتکاری و فساد پرداخته اند و باز منعشان نمی کردند و این سکوت به خاطر علاقه به مال بود که از آنان دریافت می کردند و نیز به خاطر ترسی بود که از آزار و تعقیب آنان به دل راه می دادند و در حالی که خدا می فرماید: از مردم ترسید و از من ترسید و می فرماید: مردان مؤمن دوستدار رهبر و عهده دار یکدیگرند همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند. (حرانی، تحف العقول، ص ۱۶۸، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹) آن حضرت به آیه ای در باره دانشمندان یهود که با سکوت خود مردم را به گناه تشویق می نمودند اشاره دارد که می فرماید: " لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْاَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ «مائده/۶۳». یعنی

دانشمندان برای اصلاح یک اجتماع فاسد، نخست باید افکار و اعتقادات نادرست آنها را تغییر دهند، زیرا تا انقلابی در افکار پیدا نشود، نمی‌توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه‌های عملی داشت و به این ترتیب آیه، راه اصلاح جامعه فاسد را که باید از انقلاب فکری شروع شود به دانشمندان نشان می‌دهد.

### • لعنت اهل کتاب به زبان پیامبر خویش

از جمله آیات مورد نظر امام حسین (ع) آیه شریفه: «لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ» [مائده/۷۸] بود. این لعنت بی‌جهت نبوده بلکه در اثر نافرمانی و تجاوزشان بوده است. و نیز این مطلب را تاکید می‌کند و می‌گوید: "این اعلام تنفر و بیزارگی بخاطر آن بود که آنها گناهکار و متجاوز بودند «ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» به علاوه آنها به هیچ وجه مسئولیت اجتماعی برای خود قائل نبودند، و یکدیگر را از کار خلاف نهی نمی‌کردند، و حتی جمعی از نیکان آنها با سکوت و سازشکاری، افراد گناهکار را عملاً تشویق می‌کردند. «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ» [مائده/۷۹]

در حدیثی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر و لتأخذن علی ید السفیه و لتأطرنه علی الحق اطراء، او لیضربن اللّٰه قلوب بعضکم علی بعض و یلعنکم کما لعنهم» " حتما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست افراد نادان را بگیرید و به سوی حق دعوت نمائید و الا خداوند قلوب شما را همانند یکدیگر می‌کند و شما را از رحمت خود دور می‌سازد همانطور که آنها را از رحمت خویش دور ساخت!" (طبرسی، مجمع

البیان، ج ۳، ص ۳۵۷)  
عوام زدگی نکته دیگری که امام حسین (ع) با استناد به آیه فرمودند: «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنَ وِ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» [مائده/۴۴]. این آیه شریفه بیانگر این معنی است که در حقیقت سرچشمه کتمان حق و احکام خدا، یا ترس از مردم و عوامزدگی است و یا جلب منافع شخصی و هر کدام باشد نشانه ضعف ایمان و سقوط شخصیت است، و در جمله‌های بالا به هر دو اشاره شده است. (طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۳۴۳) آیه دیگری که امام (ع) به آن استناد کردند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يُنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ  
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ  
سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ » [توبه/۷۰]. بیان این آیه از  
جانب امام حسین (ع) در مورد امر به معروف  
و نهی از منکر، بخاطر ولایت داشتن مومنان  
در امور یکدیگر است. آنها هم ولایتی که تا  
کوچکترین افراد اجتماع راه دارد که به خود  
اجازه می‌دهند هر یک دیگری را به معروف  
و ادا داشته و از منکر باز بدارد. پیامبر اعظم  
(ص) میفرماید: ما دامی که امت من امر  
بمعروف و نهی از منکر بکنند و به نیکی‌ها  
معاونت نمایند دارای خیر و برکت خواهند  
بود. ولی هنگامی که این سه موضوع را ترک  
کنند خیر و برکتها از آنان گرفته خواهد  
شد. و بعضی از آنان بر بعض دیگر مسلط  
خواهند شد. و در زمین و آسمان فریادرسی  
برای ایشان نخواهد بود. (نجفی، آسان، ج ۲،  
ص ۳۹۵).

#### ۱-۷. عدم سلطه پذیری:

از جمله نکات مهم در سیره امام حسین (ع)  
نفی سلطه پذیری است که در سخنان  
و موضعگیری های آن حضرت به چشم  
می‌خورد. امام (ع) در این خطبه روز عاشورا  
فرمودند: و شما اینک به ابن حرب و  
پیروانش اتکا و اعتماد نموده و دست از

یاری ما برمی دارید بلی به خدا سوگند!  
خذل و غدر از صفات بارز شماس است که رگ  
و ریشه شما بر آن استوار، تنه و شاخه شما  
آن را به ارث برده و دلپایتان با این عادت  
نکوهیده رشد نموده و سینه ها یتان با آن  
مملو گردیده است شما به آن میوه نامبارکی  
می مانید که در گلوی باغبان رنج دیده اش  
گیر کند و در کام سارق ستمگرش شیرین  
و لذتبخش باشد، لعنت خدا بر پیمان  
شکنان که پیمان خویش را پس از تأکید و  
محکم ساختن آن می شکنند و شما خدا را  
بر پیمانهای خود کفیل و ضامن قرار داده  
بودید و به خدا سوگند! که همان پیمان  
شکنان هستید، آگاه باشید که این فرومایه  
ابن زیاد و فرزند فرومایه، مرا در بین دو  
راهی شمشیر و ذلت قرار داده است  
و هیئات که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا  
خدا و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما ذلت  
را بپذیریم ابا دارند و دامنهای پاک مادران و  
مغزهای باغیرت و نفوس با شرافت پدران،  
روا نمی‌دارند که اطاعت افراد لئیم و پست  
را بر قتلگاه کرام و نیک منشان  
مقدم بداریم. آگاه باشید که من با این  
گروه کم و با قلت یاران و پشت کردن کمک  
دهندگان، بر جهاد آماده ام استحکام



پیمانهای شما دلیل بر ایمان شماست!  
(تحف العقول، ص ۱۷۴-مقتل  
خوارزمی، ج ۲، ص ۶۱؛ همان، ص ۷)

در جمله ای که امام (ع) فرمودند: "شما  
اینک به ابن حرب و پیروانش اتکا و اعتماد  
نمودید." (یکی از اساسی ترین برنامه های  
اجتماعی و سیاسی و نظامی و  
عقیدتی بدست می آید، که در قرآن به آن  
اشاره شده است: «و لا ترکوا الی الذین  
ظلموا فتمسککم النار و ما لکم من الله  
بین اولیاءکم لا تنصرون» [هود/۱۱۳]. و به  
کسانی که ستم کرده اند متمایل شوید که  
آتش [دوزخ] به شما می رسد، و در برابر  
خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و  
سرانجام یاری نخواهید شد. رکون "از ماده"  
رکن "به معنی اعتماد و تکیه کردن بر  
چیزی به کار رفته است. در روایات  
می خوانیم که مودت و محبت به ظالم و  
اطاعت از او، از مصادیق رکون به ظالم  
محسوب می شود. (مکارم شیرازی، نمونه،  
ج ۹، ص ۲۶۰).

در این خطبه، امام (ع) باتعین موضع  
قاطع و بیان اراده شکست ناپذیر و تن به  
ذلت ندادن اعلام می کند که در زیر  
شمشیرها و نیزه ها و در زیر سم اسبهای

دشمن با قاطعیت تزلزل ناپذیر بر سر دو  
راهی مرگ و ذلت، مرگ با عزت را انتخاب  
نمود. شعار امام حسین (ع) این بود: «قل  
هل یرضین بنا الی احدى الحسنین و نحن  
نرضیکم» [توبه/۵۱]. بگو: «آیا برای ما  
جز یکی از این دو نیکی را انتظار می برید؟  
و در تفسیر مجمع البیان گفته شده: آیا  
درباره ما چیزی انتظار برید جز یکی از دو  
بهره پسندیده و دو نعمت بزرگ: یا پیروزی  
و غنیمت در دنیا و یا شهادت و پاداش  
نیکی همیشه در آخرت. (طبرسی، مجمع  
البیان، ج ۵، ص ۵۷) آن حضرت (ع) به  
موضوع پیمان شکنی اشاره فرموده، زیرا که  
از مهمترین پشتوانه ها برای ثبات هر جامعه  
است و از مهمترین تعلیمات اسلام مساله  
وفای به عهد و پایبند بودن به پیمانها، و  
ایستادگی در مقابل سوگندها است که در  
قرآن آمده است: «و اوفوا بعهد الله اذا  
تآخذتم و لا تنقضوا الیمان بعد تکیدها و  
قد جعلتم الله علیکم کفیلاً ان الله یعلم ما  
تفعلون» [نحل/۹۱]. مراد از "توکید  
سوگند"، محکم کردن آن به قصد و تصمیم  
است. (اصفهانی، راغب، مفردات، ص ۵۹۱)  
حضرت صادق (ع) فرمود: سه چیز است  
برای هیچ کس در آن عذری نباشد: ادای



ص ۲۹۶، الذریعه، طهرانسی، ج ۱، ص ۱۵۲

امام حسین (ع) با منطق دفاع سخن می گوید که عینا کلام خداست "إِنْ يَكُ

كَادِيًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَبْدَأُكُمْ" [غافر/۲۸]. گفت: اگر

دروغگو باشد دروغش به زبان اوست، و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده

می دهد به شما خواهد رسید. گفتار امام حسین (ع) مانند دعوت پیامبر اعظم (ص) که

توأم بوده با بینات و دلائل روشن و معجزات، همان دلائل روشن را بدنبال داشت که

در برابر مخالفان خود فرمود: «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ

الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ» [یونس/۹۴]. این آیه نیز متضمن استشهاد از اهل کتاب برای اثبات

اینکه معارف قرآن مجید آسمانی و حق است، می باشد. در توییح افرادی این چنین، خداوند فرمود: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى

عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ» [صف/۷]. و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی

اسلام فراخوانده می شود، بر خدا دروغ می بندد؟ در ادامه آیه می فرماید: «يُرِيدُونَ

لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ

امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد به نیکوکار و بدکار، نیکی کردن به پدر و مادر

نکوکار باشند یا بدکار. (خصال صدوق، باب الثلاثة حدیث، ۱۲).

۱-۸. سخنرانی افشاگرانه

امام حسین (ع) در منا :

امام حسین (ع) در افشای سیاست های شیطانی معاویه، خطابه ای ایراد کرد. سپس از

حمد و ثنای الهی فرمود: این مرد سرکش به ما و شیعیانمان ستمهایی رو داشته، که آنها را شنیده و دیده و بر آن شاهد بوده اید و خبر

آنها به شما رسیده است و اکنون می خواهم از شما سوالاتی بنمایم، اگر راست گفتم مرا

تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم مرا تکذیب نمایند، گفتارم را شنیده و آنها را بنویسید، و هنگامیکه به شهرهای خودتان

نزد قبیله هایتان رفتید به اشخاصی که آنها امین دانسته و به آنها اطمینان دارید، آنچه از

حق ما می دانید به ایشان بگوئید، زیرا می ترسم که حق کهنه و مندرس شود، و از بین

برود و اهل باطل بر آن غالب شوند، خداوند نور خود را کامل می کند هر چند کافران

خوش نداشته باشند". (احتجاج، طبرسی،





كَرَّةَ الْكَافِرُونَ» [صف/۸]. منظور از افتراء و سخنان ناسزا آنستکه ائمه که خود دلیل هر حق و حقیقت اندو نور و راهنمای جامعه بشریت، بیگانگان چنین پندارند که نور و تأثیر آنها در قلوب مردم میتواند خنثی نمایند.

مفاد آیه و سخن امام آنستکه هر دو گوهر گرانسنگ برنامه سعادت بشری است و مانند خورشید است که جهان را روشنایی و حیات می بخشد آنها بیگانگان همچو شمعی پنداشته اند که با دمیدن نفخه بتوان آنها خاموش نمایند، ولی هرگز به این مقصود دست پیدا نمی کنند. چنانکه خداوند در باره جنگ افروزی برخی از اسرائیلی ها فرمود: «كَلِمًا أَوْ قَدْوًا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» [مائده/۶۴].

۹-۱. عوامل خشم خدا:

سخنرانی امام در صبح عاشورا در آغازین لحظه های نبرد، برای هدایت دشمنان و ابلاغ پیام و اتمام حجت نهایی با کوفیان، سوار بر اسب و پیش روی سپاه کوفیان قرار گرفت و با فریاد بلند چنین گفت: "عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ" بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیادر حذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده

شود و یا یک فرد برای همیشه در دنیا بماند پیامبران برای بقاء سزاوارتر و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوشایندتر بود ولی هرگز! زیرا خداوند دنیا را برای فانی شدن خلق نموده که تازه هایش کهنه و نعمتهایش زایل و سرور و شادیش به غم و اندوه مُبَدَل خواهد گردید، دون منزلی است و موقت خانه ای . پس برای آخرت خود توشه ای برگیرید و بهترین توشه آخرت تقوا و ترس از خداست.

مردم! خداوند دنیا را محل فنا و زوال قرار داد که اهل خویش را تغییر داده وضعشان را دگرگون می سازد، مغرور و گول خورده کسی است که گول دنیا را بخورد و بدبخت کسی است که مفتون آن گردد. مردم! دنیا شما را گول نزند که هر کس بدو تکیه کند ناامیدش سازد و هر کس بر وی طمع کند به یأس و ناامیدیش کشاند و شما اینک به امری هم پیمان شده اید که خشم خدا را برانگیخته و به سبب آن، خدا از شما اعراض کرده و غضبش را بر شما فرستاده است چه نیکوست خدای ما و چه بد بندگانی هستید شماها که به فرمان خدا گردن نهاده و به پیامبرش ایمان آوردید و سپس برای کشتن اهل بیت و فرزندانش



و نفرت و " دورانهای پنجگانه عمر آدمی را تشکیل می‌دهند. ( مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۳، ص ۳۵۱) نکته بعد که در کلام امام حسین (ع) به چشم می‌خورد اینکه، سنت الهی بر جاوید نبودن انسان در این جهان است که اگر بنا باشد انسانی در دنیا همواره زنده بماند، آن شخص، پیامبر (ص) خواهد بود: «و ما جعلنا لکم من انفسکم الخلد» قرآن مت فهم العالمون» [انبیاء/۳۲]. خشم خداوند نکته دیگری است که آنحضرت به آن اشاره فرمودند که می‌تواند مضمون آیاتی باشد که قرآن درباره سرنوشت نهایی منافقان تیره‌دل فرمود: «فمن تبع رسول الله کما نزل به روح من الله و ما نزله حیة و نسی السیر» [آل عمران/۱۶۲]

"پیام این آیه اینست که تنها ملاک عمل یک مسلمان خشنودی یا خشم الهی است. در آیه دیگری اشاره دارد به پیروی کردن از آنچه موجب حبط اعمال می‌شود: «ذلک ما نهبتم انفسکم من اسخط الله و کرهتوا رسوله فاسخط الله» [محمد/۲۸].

زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید. ظاهراً مراد از " ما أسخط الله"،

هجوم کردید، شیطان بر شما مسلط گردیده و خدای بزرگ را از یاد شما برده است ننگ بر شما و ننگ بر ایده و هدف شما. ما برای خدا خلق شده ایم و برگشتمان به سوی اوست . (سپس فرمود): اینان پس از ایمان، به کفر گراییده اند، این قوم ستمگر از رحمت خدا دور باد. ( خوارزمی، مقتل الحسین ج ۱، ص ۲۵۲) مضمون سخنان امام حسین (ع) در این خطبه بیان مهمترین برنامه انسانهاست که از این آیات بدست می‌آید: «یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا تفرکوا العیاد انفسکم و لا یفرکم الله الغرور» [فاطر/۵].

و در آیه ای دیگر ترسیم گویایی از وضع زندگی دنیا و مراحل مختلف، و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله را ارائه داده، می‌گوید: «اعلموا انما الحیاء الدنیا حب و لهو و زینة و تفاخر بکم و نکال فی الاموال و الاولاد» [حدید/۲۰]. بدانید زندگی دنیا تنها بازی، و سرگرمی، و تجمل پرستی، و تفاخر در میان شما، و افزون طلبی در اموال و فرزندان است به این ترتیب غفلت دوران کودکی و سرگرمی در نوجوانی و در مرحله جوانی احساسات کسب مقام و فخر و تفاخر و در مرحله پنجم تکاثر، افزایش مال



پاسخ فرمود: دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل" (مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۸) «در تاریخ" ابن عساکر" از ابن مسعود چنین نقل شده که می گوید از پیامبر (ص) سؤال کردیم چند خلیفه بر این امت حکومت خواهند کرد، فرمود: ان عدة الخلفاء بعدی عدة نقباء موسی" عدة خلفای بعد از من عدة نقبای موسی خواهد بود" (مناوی، فیض القدر، شرح جامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۹۵) در قسمت پایانی سخن امام (ع) در مورد تسلیم شدن و سر سپردن آنان به شیطان است: «استخود عسینم النسیب فاستأخه ذلک الله أولئک حزب المستنن إلا ان حزب الشیطان هم العاصین» [مجادله/ ۱۹].. در مورد تبدیل ایمان این افراد به کفر، قرآن فرموده است: «ذف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم و سبوا أولئک حقی و جاءخذ المیمان» [آل عمران/ ۸۲].

### • نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی سخنان گوهر بار امام حسین (ع) به وضوح درمی یابیم که تمامی خطبه های آن حضرت بیان قرآن کریم است لیکن بعضی از خطبه ها اقتباس های صریح از عبارات و مضامین قرآنی و بعضی

هواهای نفس و تسویلات شیطان است که گناهان کشنده را در پی دارد، هم چنان که فرموده: «الشیطان سؤال لیم و أمکن لیم» [محمد/ ۲۵].

در قسمتی از خطبه امام (ع) به پیمان شکنی مردم کوفه پرداخته، که می توان به این آیه استناد نمود که تاکید پی در پی روی مساله وفای به عهد و مدمت از پیمان شکنی است: «و لقد أخذ الله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منكم اسی عشر نبیاً و قال لهم اسی معکم لئن آمنتم لافسدهم و ناسم ال کوفه و ما نستم برسی و عزوا بحدیهم» [مائده/ ۱۲].

در حقیقت، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت. و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. و خدا فرمود: «من با شما هستم.» اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید. پیشوای معروف اهل تسنن احمد حنبل در مسند خود از "مسروق" نقل می کند که می گوید: از عبد الله بن مسعود پرسیدم چند نفر بر این امت حکومت خواهند کرد ابن مسعود در پاسخ گفت: لقد سألتنا رسول الله (ص) فقال اثني عشر كعدة نقباء بني اسرائيل" ما از پیامبر (ص) همین سؤال را کردیم و او در



إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ  
سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ [انفال/۲۹].

- امام حسین(ع) در موضع عزت و نفی هرگونه ذلت پذیری قاطعانه اعلام نمودند که در زیر شمشیرها و نیزه ها و در زیر سُم اسبهای دشمن برسر دو راهی مرگ و ذلت، مرگ با عزت را انتخاب نمودم. که این سخنان آیه شریفه « قُلْ هَلْ تَرْضَوْنَ بِنَا إِذَا إِخْدَى الْحُسَيْنِيْنَ وَنَحْنُ نَسْرِيْصُ بِكُمْ. » [توبه/۵۱]. را در ذهن تداعی میکند.

- امام حسین (ع) در استمرار حرکت انبیاء در جهت مبارزه با دشمنان با اقتدا به سیره ی رسول اعظم(ص) و انبیاء پیشین به آیه شریفه « وَ يَا قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنِّیْ عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ يَّاتِيْهِ عَذَابٌ يُخْزِيْهِ وَ مَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَ ارْتَقِبُوا اِنِّیْ مَعَكُمْ رَقِيْبٌ » [هود/۹۳]. استناد نمودن

- گفتار امام حسین به منظور نمایاندن راه رشد و سعادت در اتمام حجت با کوفیان همان گفتار مومن آل فرعون بود در برابر فرعونیان که فرمود: «تَبِعُوْنَ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ» [ ] [غافر/۳۸].

- از جمله مطالب مهمی که در خطبه های امام حسین (ع) به چشم می خورد لزوم

از تعبیرات و مضامین نزدیک به عبارات قرآنی و برخی نیز تاکیدات صریح بر آموزه ها و معارف قرآنی می باشد

- امام حسین (ع) انگیزه قیام خود را اشرانه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و زنده کردن سنت رسول الله(ص) بیان میکنند همان طور که در قرآن صراحتاً به این موضوع اشاره شده است: « يَا مَعْرُوفُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَا نَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ » [اعراف/۱۵۷]. قیام امام حسین (ع) دعوت جهان بشریت به اینکه قیام نمایند و دانشگاه عالی مکتب قرآن را بنا گذارند.

- امام حسین (ع) مردم را از شرک ورزیدن و شبیه و مانند برای خدا قائل شدن نهی نموده که اشاره دارد به دو آیه شریفه « لَا تَشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ » [القصص/۱۳] و « لَيْسَ كَمِثْلِهٖ شَيْءٌ » [شوری/۱۱].

- امام حسین (ع) در اثبات حاکمیت مطلق و نگاهیانی او بر بندگان به آیه شریفه استناد نموده « لَا تَدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يَدْرِكُ الْاَبْصَارَ وَ هُوَ اللّٰطِيْفُ الْخَبِيْرُ » [انعام/۱۰۳].

- امام حسین(ع) در توصیه به تقوا و بیان آثار آن دقیقاً از این آیه کریمه استفاده نمودند که می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا



اینکه آنچه در قرآن آمده معصوم به آن عمل نموده و آنچه که معصوم به آن عمل می نماید آیه قرآن است.

### کتابنامه

- ۱- قرآن کریم فولادوند، محمد مهدی، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) تهران، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۳- صحیحہ سجادیہ.
- ۴- ابن اثیر، عزالدین، تاریخ الکامل ابن اثیر، تهران، اساطیر ۱۳۷۲ ش.
- ۵- ابن حنبل، احمد، مستدرج، ص ۱، ۳۹۸، مصر، ۱۳۱۳.
- ۶- ابن عساکر، تاریخ المدینہ الشامیة، مجمع اللغة العربیة، دمشق، ۱۹۸۴ م.
- ۷- اربلی، ابوالحسن علی، کنف الغمہ، مکتبہ بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- ۸- اصفهانی، واعظ، مفردات الفاظ القرآن، نجف، طلیعہ النور، ۱۴۲۶ ق.
- ۹- علامہ امینی، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ ق.
- ۱۰- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۱- سیلابی، انسب الاشراف، محمد حمید الله، دارالمعارف، قاهرہ، ۱۹۵۹ م.
- ۱۲- حنفی بروسوی، اسماعیل، روح البیان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- ۱۳- جعفری، محمد تقی امام حسین (علیه السلام) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، حماسه و عرفان، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۵- تفسیر موضوعی قرآن کریم سیره رسول کرم در قرآن، قم، مرکز نشر اسرا ۱۳۸۲ ش.
- ۱۶- حکاکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۷- حرانی، ابومحمد، حسن، ابن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول، مکتبہ بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ ق.
- ۱۸- حویزی، عبد علی بن جمعه عروسی، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۹- حویزی، ابوالمؤید، مقتل الحسین، مکتبہ مفید، قم، بی تا.

اطاعت از پیامبر خدا (ص) و جانشینان برحق آن حضرت است همین مطلب را خدای سبحان به پیامبرش ابلاغ نمود:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ » [نساء/۵۹].

امام حسین (ع) خطاب به دانشمندان هر جامعه آنان را از خطر عوام فریبی و سکوت در برابر منکر آگاه می ساخته و برحذر می دارند که در اینجا می توان به آیه شریفه: «فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَ أَحْسَبُوا وَلَا تَشْتَرُوا بِأَيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» [مائده/۴۴].

اشاره کرد.

- در قسمتی از سخنان امام حسین به سلطه شیطان به قوم ستمگر اشاره شده که به آیه شریفه: «اسْتَحْوِذْ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» [مجادله/۱۹]. اشاره دارد.

- در جمع بندی نکات خطبه های امام حسین (ع) درمی یابیم که هدف غایی ایشان در حرکت بسوی کربلا و استقبال از شهادت و حمایت از دین استقرار حکومت الهی و جلب رضایت خداوند می باشد:

«عَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» [طه/۸۴]. ونیز